

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

تعینات هنری : غنا و موسیقی

ادامه گزارش از مکاسب شیخ انصاری

نکته دوم از مورد هفتم؛ بحث اختلافات بود

جناب شیخ در ادامه برخی از مخالفتها را نقل می کند و می گوید:

● و ربّما یجریّ علی هذا عروض الشبهة في الأزمنة المتأخرة في هذه المسألة، تارة من حيث أصل الحكم، و أُخرى من حيث الموضوع، و ثالثة من اختصاص الحكم ببعض الموضوع.

چه بسا جرات پیدا شده بر این جریان عروض شبهه؛ (جرات را به شهادت منفی می گویند ولی وقتی ستایش گونه باشد شهادت میگویند....) یکی از حیث اصل حکم، (برخی اصل حکم را زیر سوال بردند) و دوم این که از جهت موضوع، شبهه کردند... برخی هم اختصاص دادند حکم را به برخی از موضوع.... اختلاف در استثنا با پذیرش اصل حکم و موضوع حکم. مهم است که انسان درک کند مثلا اختلاف فیض کاشانی با دیگران کجاست... به مرحوم فیض کاشانی و محقق سبزواری نسبت داده اند که این ها در اصل حکم، مخالف اند....

شیخ انصاری می فرماید : حکي عن المحدث الكاشاني انه خص الحرام منه بما اشتمل على محرم من خارج مثل اللعب بالآلات اللّهُو و دخول الرجال و الكلام بالباطل و الا في نفسه غير محرم....

عبارت می گوید : غنا حرام نیست؛ میگویند نگاه کنیداگر صرف غنا هست که هیچ... غنا وقتی است که همراهش آلات موسیقی بیاید... یا مثلا ادای صدا، لهو باشد... از این واضح ترش این که زن و مرد مختلط باشند : لب جام و لب جوی و لب یاری به قول حافظ باشند... ولی این جا سوالی که هست این که آیا فیض کاشانی می خواسته بگوید اگر غنا همراه این ها شد، این ها حرام است و خودش حرام نیست؟ یا این که این ها می شود واسطه در ثبوت؟ من همین حرف را چند هفته پیش داشتم که واسطه حرام، آیا واسطه، واسطه در عروض است؟ یا واسطه در ثبوت است... همراه شدن غنا با محرم، آیا واسطه در عروض است به این معنی است که خودش حرام نیست... گر چه الان هم حرام نیست... در واقع واسطه در عروض، مجاز است... مثل نسبت حرکت به جالس سیاره و یا سفینه... که مجاز است اما اگر گفتیم که واسطه در ثبوت است، یعنی اگر غنا همراه این ها شد، خودش هم می شود حرام... منتها خودش که میشود حرام نه بما هو هو... بما هو این که همراه حرام شده است... و لذا خود آواز حرام است و خودناختن این آلات هم حرام است... خیلی هم ثمره دارد... ثمره اش این است که اگر بخواهند فردا پولی بدهند می دهند به کسی که نی زده و نواخته است... یا کسی که خوانده و یا کسی که رقصیده و البته همه این ها حرام است... من عبارت را یک بار دیگر می خوانم: خص الحرام منه بما اشتمل على محرم من خارج مثل اللعب بالآلات اللّهُو و دخول الرجال و الكلام بالباطل و الا في نفسه غير محرم....

گفته میدانید کدام حرام است؟ آن که اشتمل علی محرم من خارج و الا فی نفسه غیر محرم....

فیض می خواسته بگوید غنا هیچوقت حرام نیست... و هر جا هم که همراه محرمات شود این محرمات است که حرام است... اگر هم نسبت بدهیم به غنا، مجاز است... این یک نگاه، و نگاه دوم این است که غنا حرام نیست؛ ولی وقتی مشتمل بر حرام شود، خودش هم حرام می شود... گویا دو تا حرام است؛ مشتمل و مشتمل منه..

من فکر می کنم برداشت شیخ اعظم همان واسطه در عروض است...

یعنی می خواهد این طور برداشت کند که این ها اصلا حرام نمیدانند... یعنی اصل موضوع را زیر سوال برده است.

و لذا بعد اشکال می گیرد که جناب فیض مگر شما غنا را هر صوت نیکو گرفتید که می گوید حرام نیست؟! چون اگر صوت نیکوی لهوی بگیری از جهت صوتش میشود حرام ... و غنا هم چیزی غیر از همین صوت لهوی ... نیست. عبارت شیخ این است :

● نعم بعض کلماتهما ظاهرة فی ما نُسب اليهما من التفسیر فی الصوت اللهوی الذی لیس هو عند التامل و التفصیل بل قول بحرمة جواز الغناء و انه لا حرمة فيه اصلا و انما الحرام ما یقترن به المحرمات .. یعنی برداشت شیخ اعظم این است که فیض کاشانی ، محقق سبزواری ، غنا را حرام نمی دانند ... واسطه در ثبوت و این چیزها را هم قبول ندارند ... می گویند اگر چیزی همراه شود توانستید کنترل کنید ، غنا حرام نیست ... مخالفت دوم :

برخی نگفته اند ما غنا را دو قسم می دانیم بلکه می گویند همان یک قسم است اما مدعی اند و می گویند گاهی اوقات چیزی را که شما عنوان غنا به آن میدید اصولا غنا نیست ... مثلا یک کسی با همان صدایی که ترانه می خواند با همان صدا زیباترین شعر مولوی را می خواند و یا در مرثی شعرسرای می کند ... در مخالفتها باید دقت کرد و دید فرد موضوع را می زند یا حکم را می زند این آقا در واقع دارد موضوع را می زند ... شیخ میگوید: بعض من لا خبرة له من طلبه زماننا تقلیدا لمن سبقه من اعیاننا این نکته را هم یاد داشته باشیم که اگر مطلبی می خواهیم بیان کنیم که مخالف مشهور و نظر علما است سعی کنیم با احترام این کار را بکنیم به نوعی زهد در بیان داشته باشیم ... ببینیم اگر مطلبی ضروری است آن را بیان کنیم ... و اما مخالفت سوم :

مورد سوم تفصیل در مساله است ؛ اولاً می پذیرد که غنا ، غنا است به هر حال صوت مرجع فيه و مطرب ... این غنا است فرق نمی کند که ترانه بخواند یا قرآن ... می گوید من قبول دارم که غنا حرام است ... یعنی فیض کاشانی با اولی همراهی نمی کند منتها د رادامه میگوید: استثنا شده است و غنای محرم در عزاداری در تلاوت قرآن و یا بر سر مزارها قرآن خواندن استثنا شده است ... میگوید:

حکی فی جامع المقاصد قولاً لم یسمی قائله باستثناء الغنا فی المرثی و بعد آن هم قرائت قرآن هم اضافه شده است ... آیا می دانید دلیل این ها چیست؟

ما اطلاقات ادله قرآن را داریم یا نه؟ که قرآن را با صوت حسن بخوانید ... و از آن طرف هم اطلاقات و عمومات حرمت غنا ... غنا چه قرآن را شامل شود و چه ترانه را ... طبعاً این جا میشود عام و خاص من وجه میشود! د رعام و خاص من وجه شما چه می گوید؟ می گوید در ماده افتراق سهم خودشان باشد در ماده اجتماع تعارضاً - تساقطاً ... میرویم سراغ اصل دیگری که آن هم جواز است ... پس اگر کسی قرآن را با صدای غنایی بخواند ، جایز است .. عبارت شیخ این است : و ربما وجهه بعض المتأخرین (که برخی گفته اند : جناب نراقی است) بعمومات ادلة الابکاء و الرثاء و قد اخذ ذلك من الاستدلال باطلاق ادلة قراءة القرآن

این جا جناب شیخ جواب می دهد و جواب شیخ یکی از اساسی ترین مساله ای است که در فقه سیاسی اجتماعی به کار می آید ...

شیخ می فرماید : ادله مستحبات نمی تواند مقابل محرمات مقاومت کند! ان ادلة المستحبات لا تقاوم ادلة المحرمات ... من این را کلی تر میکنم و می گویم : ادله غیر الزامات لا تقاوم ادله الزامات ؛ روضه خوانی ، مرثیه خوانی و یا قرائت قرآن حتی با صوت حسن .. نهایت این که مستحب باشد سوال این است که آیا این مستحب می تواند د ر برابر محرم که غنا باشد بایستد؟ می توانید بگوئید که مستحبات باید با اسباب حلال انجام شود نه با اسباب حرام به تعبیری که من در کتابهایم به کار برده ام ضیق ذاتی دارد .. شارع هم لازم نیست این را بگوید و ما خودمان باید بفهمیم؛ مثلا اگر شارع فرمود: هر کس قلب مسلمانی را شاد کند به بهشت می رود ...

تصور کنید بر این مبنا کسی هم شروع کند غیبت کردن و مسلمانی هم بخندد آیا این جایز است؟! ادله محرمات بر مستحبات و بر مکروهات مقدم است ... حالا کسی بخواهد واجبی را انجام دهد، باید با اسباب حلال باشد ... ماشین بدزد و برود مشهد و یا به مکه مسلم است که اشکال دارد ...

در کتاب «فقه و مصلحت» بحث «اهم و مهم» و بحث «ماکیاولیسم» را ببینید که در رابطه با بحث فوق و مرتبط با آن است . این مباحث وقتی از زاویه سیاسی ، اجتماعی و یا حکومتی به آن نگریسته می شود اهمیت صدچندان پیدا میکند ... در بحث خیابان کشی که معمولا صاحبان خانه ها و یا مغازه دارها راضی به تغییر مکان نیستند و کسی هم نمی تواند اذن و اجازه ای را وجه المصالحه این کار قرار دهد ولو از جانب ولی فقیه چون به هر حال مردم بر اموال خود مسلط اند ... ولی مصلحت عموم هست که این کار انجام شود و این گونه برنامه ها که برای رفع اضطرار که نیست بلکه برای رفع ترافیک ... در واقع این ها یک سری مصالح غیر ضرور است ... به هر حال باز برمیگردیم به اول مطلب و آن این که : شمای دولت به چه مجوزی در اموال مردم دخالت می کنی؟ با این که نهایت این که بگوییم خیابان کشی مستحب است ... به نظر شما صورت مساله چه می شود؟

شما را به سمت یک مثال ساده ببرم

زن و شوهری هستند که فرزند می خواهند اما بچه دار نمی شوند ... این خانم باید برود و مداوا کند و پزشک هم برخی مواضع را از جمله شرمگاه زن را می بیند ولی اگر برود و پزشک هم ببیند حداقل مشکل بچه دار شدن این ها با مراجعات به پزشک با تجویزات پزشک و .. حل میشود و زندگی آنها به طلاق منجر نخواهد شد ... و بچه دار شدن هم از مستحبات است ... این جا طبق این بیان ادله مستحبات لا تقاوم ادله محرّمات بحث این است که خانم! درست است که مستحب است بچه دار شوی اما به شرط این که از اسباب حلال باشد ...

این که باید بروی و پزشک یا دست بزند یا ببیند یا از پشت دستگاه ببیند این درست نیست؛ ادله مستحبات لا تقاوم ادله محرّمات ...

به هر حال سوال این است که چه ضرورت دارد این همه سختی و محرومیت ...

فقه ما می گوید اگر بدون مراجعه به پزشک کار انجام می شود مجوز دارد و الا

این گونه مباحث وقتی وارد مسائلی مثل خدمات اجتماعی که دولت انجام میدهد و نوعا هم بر مبنای اضطرار نیست ، اهمیت خاص می یابد ... ولی هم خدمات اجتماعی دولت هم گر چه بر مبنای اضطرار نیست اما یک خیابان کشی که می شود چقدر نیازها مرتفع می شود و از بار ترافیک کاسته می شود ...

و یا کسی که دندان درد دارد و دندانپزشک هم زن است چه کار باید انجام دهد؟ ...

اگر این گونه مباحث را تسری دهید به فقه سیاسی ، فقه امنیت و یا فقه اطلاعات ... اهمیت آنرا بیشتر خواهیم دانست ...

اگر بر مبنای دیدگاهی که بیان کردیم بخواهیم جلو برویم ، مشکل پیدا خواهیم کرد ...

ما باید کاری کنیم که تابع شریعت باشیم نه شریعت تابع ما اما مشکل این است که شریعت کدام است؟

نادری از فقها نسبت به نظر شیخ اعتراض دارند آن هم اعتراضی اساسی ...

یکی از ناقدان آقای ایروانی است کلام آقای خوبی را خودتان ببینید و ...

عبارت آقای ایروانی این است : ذیل عبارت ان ادلة المستحبات لا تقاوم ادلة المحرمات می فرماید :

● تارة يدعى ان ادلة الاحكام الترخيضية لا تقاوم في مقام اثبات ادلة الاحكام الاقتضائية بمعنى انها ... مهملة في جنبها خالية عن

الاقتضا في جنبها يعني لا يشمل اطلاقها موردا قام فيه دليل على حكم الاقتضائي او منصرفة عن هذا المورد

می گوید اگر بحث این باشد که ادله مستحبات و ترخیصات زبانش مورد حلال را نمی گیرد و یا انصراف دارد ... یا به عبارتی

ضیق ذاتی دارد مثلا در مثال خودمان داریم ادله خواندن قرآن با صوت حسن ... میگوییم این اطلاق ندارد که حتی صوت

حرام را هم در بر گیرد .. اثباتا اطلاق ندارد اگر یک جایی اطلاق داریم و یک جایی نداریم کدام مقدم است؟

و آخری يدعى ان الاحكام الترخيضية في مقام الثبوت لا تزاحم مقتضيات الاحكام الالزامي ... یعنی ما کار به دلیل نداریم ممکن

است دلیل مستحب خیلی هم عام باشد ولی ثبوتا هیچوقت غیر الزام د برابر الزام مقاومت نمی کند ...

شما می گوید اگر این باشد درست نیست ... ادامه می دهد :

و يدفعه ان اللزوم هو الموازنة بين المنطتين من اى المنطتين كانا فریما ينحط المنط اللزامي عن مرتبته و يعود غیر موثری

الحکم الالزامی

بعد ان كان موثرا في الحكم الالزامی ... یعنی از آن مفسده کم میکند

در مثالی که زدیم که اگر پزشک دست به شرمگاه زن بزند یا نگاه کند که حرام است ما می‌گوییم اگر این دست زدن و یا نگاه کردن و یا استفاده از فلان دستگاه باعث این میشود که این خانم بچه دار شود، از آن مفسده حرمت میزند و دیگر حرمت در حال حرمت باقی نمی‌ماند ...
بروید روی این بحث مطالعه کنید و حرف آقای ابروانی مرحوم خویی و ... را ببینید و بررسی کنید.

الحمد لله رب العالمین